



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۴ دی ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۳۹

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط ششم؛ مستعمل در خبث نبودن آب وضو

سال تحصیلی: ۹۷-۹۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در این بود که وضو گرفتن با آب مستعمل در رفع حدث اکبر جایز است یا جایز نیست؟ عرض شد که اگر آب مستعمل در رفع حدث اکبر، آب کثیر باشد، مشکلی ندارد و وضو گرفتن با آن جایز است، اما اگر آب مستعمل در رفع حدث اکبر، آب قلیل باشد، صحت وضو با آن، مورد اختلاف واقع شده است. مشهور معتقدند که وضو با آب قلیل مستعمل در رفع حدث اکبر، مشکلی ندارد، ولی بزرگانی، مثل مرحوم شیخ صدوق (ره)، مرحوم شیخ مفید (ره) و مرحوم شیخ طوسی (ره)، به عدم جواز وضو با آب قلیل مستعمل در رفع حدث اکبر قائل شده‌اند و برای کلام خود به روایاتی استناد کرده‌اند که در جلسه گذشته به روایت عبدالله بن سنان در این رابطه اشاره شد. در ادامه، سند این روایت مورد اشکال واقع شد و عرض شد که به خاطر وجود احمد بن هلال عبرتایی در سند این روایت، این روایت سنداً ضعیف است و نمی‌توان به آن استناد کرد. همچنین، عرض شد که مرحوم شیخ انصاری (ره) با ذکر قرائنی در صدد رفع اشکال از سند روایت مذکور، برآمده است که در جلسات گذشته دو قرینه در این رابطه اشاره و بررسی شد.

قرینه سوم، این است که احمد بن هلال روایت مذکور [روایت عبدالله بن سنان] را از ابن محبوب نقل کرده است و ظاهراً آن را از کتاب مشیخه ابن محبوب نقل کرده است و این کتاب، کتاب معتبری نزد اصحاب است و غضائری که همواره در سند روایات اشکال می‌کرده، گفته است که روایات احمد بن هلال ساقط است مگر روایاتی که از کتاب مشیخه نقل کرده است. در این سند نیز احمد بن هلال روایت مذکور را از کتاب مشیخه ابن محبوب نقل کرده است و معنایش این است که این روایت معتبر است؛ هرچند که احمد بن هلال در سلسله سند این روایت هست.

اشکال بر قرینه سوم

اگر پذیرفته شود که اعتماد اصحاب بر روایت ضعیف، موجب انجبار است و ضعف سندی آن را جبران می‌کند، یعنی عمل اصحاب جابر ضعف سند است و آنچه که احمد بن هلال از کتاب مشیخه ابن محبوب نقل کرده است نیز معتمد نزد اصحاب است، عمل اصحاب، ضعف سندی روایت را که از جانب احمد بن هلال است، جبران می‌کند. اما مشکل در صغرای مذکور است زیرا ثابت نیست که احمد بن هلال این روایت را از کتاب مشیخه ابن محبوب نقل کرده باشد، بلکه محتمل است که احمد بن هلال این روایت را از خود ابن محبوب نقل کرده باشد و این به وثاقت راوی برمی‌گردد و فرض این است که راوی مورد بحث، قابل اعتماد نیست. بنابراین، قرینه سوم مذکور از جانب مرحوم شیخ انصاری (ره) نیز پذیرفته نیست.

نتیجه، اینکه استناد به روایت عبدالله بن سنان [عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ يُتَوَضَّأَ بِالْمَاءِ الْمُسْتَعْمَلِ»؛ فَقَالَ: «الْمَاءُ الَّذِي يُغْسَلُ بِهِ الثَّوبُ أَوْ يَغْتَسِلُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْجَنَابَةِ، لَا يَجُوزُ أَنْ يُتَوَضَّأَ مِنْهُ وَ أَشْبَاهُهُ وَ أَمَّا الْمَاءُ الَّذِي يُتَوَضَّأُ الرَّجُلُ بِهِ فَيُغْسَلُ بِهِ وَجْهُهُ وَ يَدُهُ فِي شَيْءٍ نَظِيفٍ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْخُذَهُ غَيْرُهُ وَ يُتَوَضَّأَ بِهِ»^۱] بر عدم جواز وضو با آب قلیل مستعمل در رفع حدث اکبر، صحیح نیست زیرا وجود احمد بن هلال عبرتایی که شخصی فاسدالعقیده بوده است، در سند این روایت، این روایت را از اعتبار ساقط کرده است و قرائنی که از طرف مرحوم شیخ انصاری (ره) برای رفع اشکال سندی روایت ارائه شده است نیز مورد اشکال قرار گرفت لذا روایت عبدالله بن سنان از نظر سند مشکل دارد و قابل استناد نیست.

علاوه بر ضعف سندی روایت عبدالله بن سنان، دلالت این روایت نیز تمام نیست زیرا مرحوم شیخ صدوق (ره)، مرحوم شیخ مفید (ره) و مرحوم شیخ طوسی (ره) به این بخش از فرمایش امام صادق (ع) در روایت مذکور، استناد کرده‌اند که آن حضرت (ع) فرموده است: «الْمَاءُ الَّذِي يُغْسَلُ بِهِ الثَّوبُ أَوْ يَغْتَسِلُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْجَنَابَةِ، لَا يَجُوزُ أَنْ يُتَوَضَّأَ مِنْهُ وَ أَشْبَاهُهُ». آنان گفته‌اند که از این تعبیر استفاده می‌شود که وضو گرفتن با آب قلیلی که برای رفع حدث اکبر مورد استفاده قرار گرفته است، جایز نیست، لکن عرض می‌شود که روایت مذکور، ظاهراً از جهت طهارت و نجاست ثوب مطلق است و در روایت نیامده است که اگر لباس نجس با آب شسته شود، وضو گرفتن با آن آب جایز نیست، بلکه روایت از این جهت مطلق است و در آن به طهارت و نجاست لباس اشاره‌ای نشده است و همچنین، از لحاظ نجاست و طهارت بدن نیز مطلق است، لکن به نظر می‌رسد که روایت مذکور، اطلاق ندارد.

بعضی از بزرگان گفته‌اند که مقصود از ثوب در روایت مذکور، ثوب چرکین است و ثوب نجس مراد نیست، لذا نهی امام صادق (ع) از وضو گرفتن با آب مستعمل در غسل ثوب، بر کراهت حمل می‌شود، یعنی مقصود امام (ع) وضو گرفتن با آب مستعمل در غسل لباس چرکین بوده است و طبیعتاً نهی امام (ع) بر کراهت دلالت دارد، لکن عرض می‌شود که این سخن صحیح نیست چون ظاهر کلام امام (ع) اطلاق دارد.

به نظر می‌رسد که دو قرینه بر خروج روایت از دو اطلاق مذکور [اطلاق ثوب از ناحیه طهارت و نجاست و اطلاق بدن از ناحیه طهارت و نجاست]، دلالت دارند که یک قرینه، قرینه داخلیه و قرینه دیگر، قرینه خارجیه است. این قرائن، بر این دلالت دارند که نهی امام (ع) از وضو گرفتن با آب مستعمل در غسل ثوب، به جهت دیگری است و دلیل نهی امام (ع) صرف استعمال آن آب برای رفع حدث اکبر نیست. بنابراین، قرینه داخلیه و خارجیه بر این دلالت دارند که مقصود از ثوب، ثوب متنجس و مقصود از بدن نیز بدن متنجس می‌باشد، یعنی چون ثوب و بدن متنجس بوده‌اند، امام (ع) از وضو گرفتن با آب مستعمل در شستن آنها نهی کرده است و در نتیجه، صرف آب مستعمل در رفع حدث اکبر دلیل بر نهی امام (ع) نیست.

قرینه خارجیه از روایاتی که در این رابطه وارد شده‌اند، استفاده می‌شود. اخبار کثیری وجود دارند که این اخبار برای بیان کیفیت غسل جنابت وارد شده‌اند که در آن روایات تعبیر این‌گونه است که قبل از اینکه غسل کنید، آب بردارید و عورت و فرج را بشوید و سپس به شستن بدن مشغول شوید که منظور این است که نخست نجاست را برطرف کنید و سپس شروع به غسل کنید. روایات ذیل از جمله این روایاتند:

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الماء المضاف، باب ۹، ص ۲۱۵، ح ۱۳.

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ؛ فَقَالَ: «تَبْدَأُ بِكَفِّكَ فَتَغْسِلُهَا ثُمَّ تَغْسِلُ فَرْجَكَ ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى رَأْسِكَ ثَلَاثًا ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى سَائِرِ جَسَدِكَ مَرَّتَيْنِ فَمَا جَرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ فَقَدْ طَهَرَ»^۱.

محمد بن مسلم در روایت صحیحہ مذکور، گفته است که از امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) در رابطه با غسل جنابت سؤال کرد و آن حضرت (ع) فرمود که نخست دو دست را می شویی و سپس عورت خود را می شویی... .

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: قُلْتُ كَيْفَ يَغْتَسِلُ الْجُنُبُ؟ فَقَالَ: «إِنْ لَمْ يَكُنْ أَصَابَ كَفَّهُ شَيْءٌ غَمَسَهَا فِي الْمَاءِ ثُمَّ بَدَأَ بِفَرْجِهِ فَاتَّقَاهُ بِثَلَاثِ غُرْفٍ ثُمَّ صَبَّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثَ أَكْفٍ ثُمَّ صَبَّ عَلَى مَنْكِبَيْهِ الْأَيْمَنِ مَرَّتَيْنِ وَعَلَى مَنْكِبَيْهِ الْأَيْسَرِ مَرَّتَيْنِ فَمَا جَرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ فَقَدْ أَجْزَاهُ»^۲.
 زرارہ در روایت صحیحہ مذکور، گفته است که سؤال کردم که جنب چگونه غسل می کند؟ امام (ع) فرمود که اگر چیزی به کف دستش اصابت نکرده است، دستش را در آب فرو برد و سپس شروع به شستن عورتش کند.... .

دو روایت مذکور، بر این دلالت دارند که شستن عورت و ازاله نجاست از آن، در صحت غسل شخص جنب معتبر است و این دو روایت درباره شخصی وارد شده اند که در بدنش نجاست وجود داشته باشد و لذا این دو روایت بر موردی حمل می شوند که شخص جنب در عین حال که نجاست در بدنش هست، بر آن آب می ریزد و به همین دلیل، وضو گرفتن با آبی که در رفع آن نجاست استفاده شده است، جایز نیست.

همچنین، روایاتی در رابطه با نجاست آبی که جنب در آن غسل کرده است، وارد شده اند که بین آب قلیل و آب کثیر تفصیل داده اند که روایات ذیل از آن جمله اند:

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَاءِ تَبُولُ فِيهِ الدَّوَابُّ وَ تَلْعُ فِيهِ الْكِلَابُ وَ يَغْتَسِلُ فِيهِ الْجُنُبُ؛ قَالَ: «إِذَا كَانَ الْمَاءُ قَدْرَ كُرٍّ، لَمْ يُنَجِّسْهُ شَيْءٌ»^۳.

امام صادق (ع) در روایت صحیحہ مذکور، فرموده است که اگر آب به اندازه کر باشد، چیزی آن را نجس نمی کند.
 از روایت مذکور، استفاده می شود که منظور از غسل جنب، غسل شخص جنبی است که بدنش نجس باشد و الا اگر بدن شخص پاک باشد و غسل کند، چیزی نجس نمی شود. پس جمله «إِذَا كَانَ الْمَاءُ قَدْرَ كُرٍّ، لَمْ يُنَجِّسْهُ شَيْءٌ»، بر این دلالت دارد که بدن شخص جنب نجس بوده است.

روایت دوم: عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْحِيَاضِ الَّتِي مَا بَيْنَ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ، تَرِدُهَا السَّبَاعُ وَ تَلْعُ فِيهَا الْكِلَابُ وَ تَشْرَبُ مِنْهَا الْحَمِيرُ وَ يَغْتَسِلُ فِيهَا الْجُنُبُ وَ يُتَوَضَّأُ مِنْهُ؛ قَالَ: «وَكَمْ قَدْرُ الْمَاءِ؟» قَالَ: «إِلَى نِصْفِ السَّاقِ وَ إِلَى الرُّكْبَةِ؛ فَقَالَ: «تَوَضَّأُ مِنْهُ»^۴.

امام صادق (ع) در روایت صحیحہ مذکور، فرموده است که وضو گرفتن با آبی که شخص جنب در آن غسل کرده یا از آن وضو گرفته است، اگر آن آب به نصف ساق و زانو برسد، اشکالی ندارد [چون با لحاظ وسعت حوض های مذکور، عرفاً چنین آبی، آب کر و عاصم است].

۱. همان، ج ۲، ابواب الجنابة، باب ۲۶، ص ۲۲۹، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. همان، ج ۱، ابواب الماء المطلق، باب ۹، ص ۱۵۸، ح ۱.

۴. همان، ص ۱۶۲، ح ۱۲.

این روایت نیز حاکی از این است که بدن شخص جنب نجس بوده است و در آب کر غسل کرده است که چنین آبی عاصم است و نجس نمی‌شود.

از روایات مذکور، استفاده می‌شود که آب قلیل در صورتی نجس می‌شود که در هنگام غسل جنابت، نجاستی در بدن باشد لذا بین آب کثیر و آب قلیل تفصیل داده شده است که اگر آب، قلیل باشد و نجاستی در بدن باشد، نجس می‌شود، لکن اگر آب، کثیر باشد، با شرایطی نجس نمی‌شود. این روایات، بر این دلالت دارند که مراد از نهی امام (ع) از وضو با آب مستعمل برای جنابت، جنابتی است که بدن نیز نجس باشد. پس منظور از جنبی که در روایت عبدالله بن سنان [که به آن اشاره شد] آمده است، جنبی است که در بدنش نجاست وجود دارد و لذا امام (ع) بین آب قلیل و آب کثیر تفصیل داده است؛ به این نحو که اگر آب قلیل باشد، نجس می‌شود، ولی اگر آب کثیر باشد، نجس نمی‌شود.

پس روایات مذکور [به عنوان قرائن خارجی]، بر این دلالت دارند که منظور از آب مستعمل در غسل جنابت و آب مستعمل در شستن لباس که وضو با آن جایز نیست، آبی قلیل است که یا در هنگام غسل جنابت برای شستن بدن نجس استعمال شده است یا برای شستن لباس نجس استفاده شده است و الا صرف غسل جنابت [بدون اینکه بدن نجس باشد] و صرف شستن لباس [بدون اینکه نجس باشد]، مشکلی ایجاد نمی‌کند و وضو با چنین آبی جایز است.

اما قرینه داخلی، ذیل خود روایت عبدالله بن سنان است: «وَأَمَّا الْمَاءُ الَّذِي يَتَوَضَّأُ الرَّجُلُ بِهِ فَيَغْسِلُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَدَهُ فِي شَيْءٍ نَظِيفٍ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَأْخُذَهُ غَيْرُهُ وَيَتَوَضَّأَ بِهِ»^۱.

ذیل روایت مذکور، به این معناست که اگر شخص وضو بگیرد و نجاستی در کار نباشد، مشکلی ندارد که دیگری با آبی که شخص با آن وضو گرفته است، وضو بگیرد و استعمال آن آب مستعمل، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

ذیل روایت بر این دلالت دارد که ملاک در جواز و عدم جواز وضو و غسل، نظافت و نجاست است، به این معنی که آب، هر گاه نظافت و طهارت داشت، وضو و غسل با آن جایز است و هر گاه نجاست داشت، وضو و غسل با آن جایز نیست و اینکه امام (ع) به عدم جواز وضو با آبی که شخص با آن غسل جنابت انجام داده است یا لباسش را با آن آب شسته است، تصریح فرموده است، به فرض نجس بودن لباس و بدن مربوط می‌شود چون در این فرض، آبی که با لباس یا بدن نجس ملاقات می‌کند، نجس می‌شود و لذا وضو گرفتن با آن جایز نیست، اما اگر بدن و لباس نجس نباشد، آبی که با آن غسل جنابت شده یا لباس شسته شده است، نجس نمی‌شود لذا وضو گرفتن با آن نیز مشکلی ندارد.

بنابراین، اطلاقی در روایت عبدالله بن سنان نیست تا با تمسک به آن اطلاق گفته شود که وضو گرفتن با آب مستعمل در رفع حدث اکبر، مطلقاً جایز نیست لذا کلام مرحوم سید (ره) در جمله «وَالْأَقْوَى جَوَازُهُ مِنَ الْمُسْتَعْمَلِ فِي رَفْعِ الْحَدِّثِ الْأَكْبَرِ»^۲، صحیح است. اما جمله «وَإِنْ كَانَ الْأَحْوَطُ تَرْكُهُ مَعَ وَجُودِ مَاءٍ آخِرٍ»^۳ در ادامه کلام وی، شاید به جهت نفرت عرضی یا حُسن احتیاط باشد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۱. همان، ابواب الماء المضاف، باب ۹، ص ۲۱۵، ح ۱۳.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳. همان.